وصايا للأمراء

الشيخ
أبو حمزة المهاجر

١١/رمضان/1428

برگردان: خالد فارسی الخراسانی



مركز اليقين الاعلامي

پندهایی برای امیران

اثر شیخ ابو حمزه مهاجر

برگردان؛ خالد فارسی الخراسانی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله ومن والاه. (ستایش خدای را و درود و سلام بر فرستاده خدا و خاندان و یارانش)

اما بعد:

ای برادر مجاهد، این‌ها پندهایی است که از دهان مردان و بطن کتاب‌ها برایت گرد آورده‌ام و ادعای حکمتی ندارم و از خدا می‌خواهم که من و شما را از آن بهره‌مند سازد.

و خداوند در ورای نیت [و آگاه به آن] است.

1. **اخلاص برای خدا:** که نجات دنیا و آخرت در آن است: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (خداوند کسی را که در راهش جهاد می‌کند، ضمانت کرده است، در حالی که جز جهاد در راهش و تصدیق کلماتش چیزی او را [از خانه] خارج نکرده است، که او را به بهشت وارد کند یا او را با پاداش یا غنیمتی که به دست آورده، به خانه‌اش که از آن خارج شده بود، بازگرداند). و در عمل خود نیت کن که کلمهٔ الله (سخن خدا) برافراشته باشد: از ابو موسی روایت است که: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم درباره مردی سؤال شد که برای شجاعت می‌جنگد، و [دیگری] برای حمیت (غیرت) می‌جنگد، و [دیگری] برای ریا می‌جنگد؛ کدام یک در راه خداست؟ رسول خدا (ص) فرمودند: (کسی که می‌جنگد تا کلمهٔ الله برافراشته شود ، او در راه خداست).
2. **خیرخواهی برای رعیت:** (هیچ امیری بر ده نفر [حکومت] نمی‌کند، مگر اینکه روز قیامت در غل و زنجیر آورده می‌شود و جز عدالتش او را رها نمی‌کند یا ظلمش او را هلاک می‌گرداند)، و (هیچ امیری که سرپرستی امور مسلمانان را بر عهده می‌گیرد، سپس برای آنان تلاش و خیرخواهی نکند، با آنان وارد بهشت نخواهد شد)، و (خداوند هر بنده‌ای را که سرپرست رعیتی کند و او در روزی که می‌میرد، نسبت به آنان خیانتکار باشد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند).

3. **مشورت و هم‌اندیشی:** هم‌اندیشی (مناظره) همراه و همزاد مشورت است؛ یعنی: نشستن برای مطرح کردن ایده‌ها در یک مجلس، و اظهار نظر هر شخص درباره رأی دیگری یا ابداع نظری جدید. سپس در نهایت، نظر درست متبلور می‌شود.

خداوند تعالی می‌فرماید: (و در کارها با آنان مشورت کن): خداوند پیامبرش را با وجود رجحان عقل پیامبر (ص) راهنمایی کرد که با زیردستانش مشورت کند، پس شما چگونه‌اید؟ و چنان که روایت شده: هر که مشورت کرد، پشیمان نشد و هر که استخاره کرد، ناامید نشد. و گفته شده: هر که به عقل خود اکتفا کرد، گمراه شد و هر که به رأی خود بسنده کرد، لغزید. و هر که از خردمندان یاری خواست، راه صواب را پیمود، و هر که از صاحبان عقل کمک گرفت، به آرزوی خود رسید. پس باید هر امیری، از امیر عام گرفته تا امرای دسته‌های نظامی (سرایا)، یک مجلس شورای واقعی داشته باشد.

اما با صاحب نیازی که می‌خواهد نیازش را برآورده کند، مشورت مکن، و نه با کسی که احساس می‌کنی به آن [موضوع] طمع دارد، و نه با کسی که در مورد رأی، عمیقاً فکر نمی‌کند: گفته شده: «بگذار رأی و نظر، پخته شود (تخمیر شود)». از علی (رضی الله عنه) نقل شده: «رأی و نظر شیخ (پیر) بهتر از حضور جوان در نبرد است.» و مشورت مکن مگر در خلوت (تنهایی): زیرا این برای حفظ راز بهتر است و برای کنترل کسی که ممکن است آن را فاش کند، دقیق‌تر است.

به راستی! مشورت و هم‌اندیشی، دو درِ رحمت و دو کلید برکت‌اند که با وجود آن‌ها، رأی و نظری گمراه نمی‌شود.

4. **بپرهیز از اینکه فقط کسی را که با نظرت موافق است، مقدم بداری و از اطرافیان بد برحذر باش.** و خود را به صبر در برابر مخالفت افراد خیرخواه عادت ده و تلخی سخن و عدالت آنان را تحمل کن. و در این امر، جز با اهل فضل، عقل، سن (بزرگسالی)، مروت و آبروداری، گشاده‌رو مباش.
5. **هیچ چیز به لندازه بی‌خبری امیر از احوال واقعی رعیتش، دین و دنیا را تباه نمی‌کند؛** پس خود را از آنان پنهان مکن، زیرا تو نیز بشری هستی و از آنچه مردم از تو پنهان می‌کنند، آگاه نیستی.

و مبادا به بهانه [مسائل] امنیتی، خود را ایمن سازی و زیردستت را تباه کنی: که در این صورت، امیری بد هستی. و پس از گماردن امینان و خیرخواهان، خودت بر همه چیز نظارت کن: چه بسا امین خیانت

کند و خیرخواه فریب دهد؛ پس در امور تحقیق کنید: خداوند تعالی می‌فرماید: (ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا گمراه کند). - خداوند [در آیه] تنها به کنایه [در مورد پیروی از هوا] بسنده نکرد، بلکه آن را مستقیماً [نهی کرد]، و هیچ عذری در مشغول شدن [و اکتفا به نایب گرفتن] نیست، تا جایی که آن را قرین ضلالت (گمراهی) دانست). و در تصدیق سخن سخن‌چینی که قصد فساد دارد، عجله مکن، که مَثَل او، مَثَل فریبکار است، هرچند شبیه خیرخواهان است . سخن او را نادیده نگیر؛ شاید راست گفته باشد. و نسبت به برادرانت خوش‌گمان باش؛ زیرا خوش‌گمانی، رنجی طولانی را از تو دور می‌سازد.

6. **سزاوار است که امیر، خود و سربازانش را به آنچه خداوند از حقوق واجب کرده و حدودی که بدان امر فرموده، ملزم سازد:** (زیرا کسی که برای دین جهاد می‌کند، سزاوارترین مردم به التزام به احکام آن است). اما تو در حالی که فاسد باشی، اصلاح نخواهی کرد و در حالی که گمراه باشی، هدایت نخواهی نمود و در حالی که خودت گمراه باشی، هدایت نخواهی کرد. پس چگونه نابینا می‌تواند راهنمایی کند و ذلیل می‌تواند عزت بخشد؟ و ذلتی بالاتر از ذلت معصیت نیست و عزتی برتر از عزت طاعت نیست. پس خود را از اخلاق پست و همنشینی با فاسقان فراتر ببر.

7. **مبادا تنگی و فشار کاری، تو را به طلب آن از راه ناحق وادارد،** زیرا صبر تو بر فشاری که امید گشایش در آن داری و عاقبت بهتری دارد، بهتر از معصیتی است که از پیامدهای آن می‌ترسی. و مدار دین بر صبر است.

8. **مبادا خود را با مرکب(وسیله نقلیه) یا لباسی متمایز کنی.** عمر (رض) به ابوموسی اشعری (رض) نوشت: .. به من خبر رسیده که برای تو و خانواده‌ات در لباس و خوراک و مرکبت، هیئتی [خاص] رواج یافته که مسلمانان چنین [هیئتی] ندارند. پس ای بنده خدا، بپرهیز از اینکه مانند چهارپایی باشی که از دره‌ای حاصلخیز عبور می‌کند و هم و غمی جز فربه شدن ندارد؛ و همانا مرگش در همان فربهی است. و بدان که هرگاه مسئول (عامل) بلغزد، رعیتش نیز می‌لغزند... و بدبخت‌ترین مردم کسی است که رعیتش به واسطه او بدبخت شوند.

9. **بدانید که جنگ، همان‌طور که گفته‌اند:** ســـنگینی‌اش بر صـــبر، قطبش بر مکر، مدارش بر اجتهاد، فرهنگش بر تأمل (آهســتگی) و زمامش بر احتیاط اســت. و هر یک از این‌ها میوه‌ای دارد: میوه صـــبر، تأیید [الهی] اســت. میوه مکر، پیروزی اســت. میوه اجتهاد، توفیق اســت. میوه تأمل، یُمن (خجســتگی) اسـت. و میوه احتیاط، سـلامت است. از عمرو بن معدیکرب درباره جنگ پرسیدند، گفت: «صبور باش تا شـناخته شـوی و هر که از آن روی برگرداند، تلف شـود». پس از عجله بپرهیزید که چه بسـا عجله‌ای که پشیمانی در پی دارد.

10. **در هنگام نبرد و رویارویی، اهل بلا و سـختی (رزمندگان باتجربه) بر دشـمنان را مقدم بدار** و آنان را در دسته‌های نظامی (سرایا) توزیع کن تا ضعیف به واسطه آنان قوی شود و ترسو به شجاعت آنان جرأت یابد. و بپرهیز از اینکه فردی ناامیدکننده یا شـایعه‌پراکن (مرجف) همراه برادرانت باشـد و از جاسوسان و خبرچین‌ها بسیار برحذر باش. چه بسا گروهی اندک که به اذن خدا بر گروهی بسیار چیره شدند. اما در جنگ صرف به قدرتمندان اتکاء مکن و ضعیفانی را که به آنچه نزد خداست رغبت دارند، رها مکن؛ زیرا پیامبر (ص) فرمودند: (آیا شما جز به [واسطه] ضعیفانتان یاری و روزی داده می‌شوید؟). و همانا خداوند قوم را به [واسطه] ضعیف‌ترینشان یاری می‌کند.

11. **از تجهیزاتی نظامی مانند زره و موارد ایمنی که می‌توانی فراهم کنی، غفلت مکن** و این از ترسـویی نیسـت؛ شـجاع‌ترین مردم، رسـول خدا (ص) بود که زره داشـت. اما این مانع از جنگیدن بدون زره (حاسـراً) در وقت مناسـبش نمی‌شـود. حبیب بن مهلب گفت: [هیچ] مرد جنگیِ زره‌پوشـی را ندیدم، مگر آنکه نزد من [به لندازه] دو مرد بود و هیچ دو [جنگجوی] بدون زرهی را ندیدم، مگر آنکه نزد من [به اندازه] یک نفر بودند. برخی اهل معرفت این سـخن را شـنیدند و گفتند: راسـت گفت، [زیرا] برای اسلحه فضیلتی است: آیا نمی‌بینی که هنگام فریاد کمک‌خواهی (الصریخ) ندا می‌دهند: اسلحه، اسلحه! و ندا نمی‌دهند: مردان، مردان!

12. **امیری حکیم است که برادرانش را از آذوقه‌ای (غذا و نوشیدنی) که نفوسشـان را در طول روز تقویت کند، مجهز سازد.** هنگامی که جیب‌های جنگجویان یکی از فرماندهان افغانِ مخالف طالبان را بازرسی می‌کردیم، در آن کشمش می‌یافتیم.

13. **سزاوار است که امیر برای هر دسته (مفرزه) فرماندهی تعیین کند** و موترها، سلاح‌ها و آذوقه برادرانش را به ویژه قبل از غزوات (عملیات‌ها) بازرسی کند. چیزی را که در هنگام سختی و جدیت از [حمل] آن عاجزند، وارد [تجهیزات] نکند و چیزی را که هنگام خرابی [تجهیزات] و طولانی شدن مسافت به آن نیاز دارند، از آن حذف ننماید؛ به خصوص اگر انتظار طولانی شدن نبرد را دارد.

14. **سزاوار است که تعداد مبارزان** در هر موتر از سه نفر بیشتر نباشد، مگر در مواردی که مصلحت ایجاب کند. و باید ارتباطی امنیتی و حساب‌شده بین دسته‌ها برقرار کند و برای مکالماتشان رمز (شفر) و برای نبردشان شعاری تعیین نماید.

15. **بر امیر است که با رعیتش سخن بگوید** در حالی که نزد او چیزی باشد که نفوسشان را قوی سازد و آنان را به پیروزی بر دشمنشان امیدوار کند. و از اسباب پیروزی آنقدر برایشان بگوید که دشمنشان را حقیر بشمارند. خداوند تعالی می‌فرماید: (هنگامی که خداوند آنان را در خوابت به تو اندک نشان داد و اگر آنان را بسیار نشانت می‌داد، قطعاً سست می‌شدید و در کار به نزاع می‌پرداختید).

16. **سزاوار است که امیر، مکان نبرد را به خوبی بررسی کند**؛ پس در مکانی که دور زدن آن آسان است، نجنگد، مگر آنکه آن رخنه را ببندد. و با سربازانش آنقدر دور نشود که بازگشت امن آنان به سویش، غیرممکن گردد.

17. **فرمودند: (جنگ، فریب است).** و مهلب گفت: [بر شما باد به حیله در جنگ: که آن رساتر از دلاوری است] و از جمله حیله‌ها:

الف- فرستادن جاسوسان. ب- کسب اخبار. ج- توریه (پنهان‌کاری) در غزوات؛ چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد غزوه‌ای داشت، به غیر آن تظاهر می‌کرد (توریه می‌نمود). اگر سینه‌ی مرد برای راز خودش تنگ باشد - پس سینه‌ی آنکه راز به او سپرده می‌شود، تنگ‌تر است.

و در هر حال از دشمنت برحذر باش، مبادا:

الف- از نزدیک بجهد. ب- یا از دور حمله کند.

ج- یا در غفلت کمین کند. د- یا پس از بازگشت، تعقیب کند.

18. **از نشـــانه‌های خبرگی و کاردانی امیر، غنیمت شـــمردن فرصـــت‌هاســـت:** که همچون ابر می‌گذرند. [و به دنبال اثر پس از رؤیت عین (واقعیت) نباشـید]. در ابتدای کار (رأس الأمر) اقدام کن و در انتهای آن (ذنب) اقدام مکن. چون بادهایت وزیدن گرفت، غنیمت شمار – که هر تپنده‌ای را سکونی است.

19. **جایز است که امیر سپاه، از میان داوطلبان شهادت،** کسانی را که می‌داند کشته شدنشان در نبرد باعث تحریک مسـلمانان به جنگیدن از روی غیرت برای او می‌شـود، [به میدان] بفرسـتد. و عکس آن نیز صحیح است؛ [یعنی] باید کسی را که با کشته شدنش، شوکت برادرانش شکسته می‌شود، مانند فرمانده متمایز، حفظ کند. به همین دلیل جایگاه قلب [لشـــکر]، مســـتحکم‌ترین مکان‌ها و دورترین از دشمن بود.

20. **به برادرانت اجازه کشـــتن یا اســـیر گرفتنی را که ممکن اســـت** صـف آنان را متفرق کند و کلمه‌شان (اتحادشان) را دچار اختلاف سازد، مده؛ حتی اگر از جهاتی جایز باشد: زیرا وحدت کلمه در هنگام نبرد، مصلحتی برتر است که چیزی با آن برابری نمی‌کند.

21. **از خون‌ها بپرهیزید، از خون‌ها بپرهیزید و ریختن ناحق آن؛** هیچ چیز در جلب نقمت و زوال نعمت، سـریع‌تر از ریختن ناحق خون‌ها نیسـت. و مبادا که امر و سـپاهت را با خون حرام تقویت کنی، که این [کار]، زوالش نزدیک و [موجب] ضعف و سستی است. نه نزد خدا عذری داری و نه نزد ما. به خدا قسم اگر خبر ریختن خون معصومی از اهل سنت، بدون دلیل روشنی مبنی بر ارتکاب عملی که خونش را مباح کند و بدون شبهه‌ای، به ما برسد، قطعاً برای او دادخواهی خواهیم کرد.

22. **آسانی یک عملیات تو را نفریبد،** چه بسا سراشیبی پس از آن دشوار باشد: بر این اساس، باید فکرت برای امروز و فردایت باشـــد؛ زیرا هیچ چیز برای مردم زیان‌بارتر از امیری نیســـت که فقط برای امروزش فکر می‌کند.

23. **نیکوکار رابه خاطر نیکی‌اش پاداش ده،** و دســـته [نظامی] را پس از پیروزی گرامی بدار و شجاع را در برابر مردم تشویق کن. و در مقابل، بدکار را به خاطر بدی‌اش مجازات کن، هرچند با ترک کردن (هجر) باشد؛ زیرا جایز است که امیر، کسی را که از امرش سرپیچی کرده، تادیب کند. اگر چنین

نکنی، نیکوکار سستی می‌کند و بدکار جرأت می‌یابد و کارها فاسد شده و عمل ضایع می‌گردد. و باید احسان تو به نیکوکار در ملأ عام، و عقابت برای بدکار در نهان باشد؛ به ویژه برای اهل فضل آنان؛ اما [عقاب] اهل فساد، در برابر مردم باشد و شریعت نیز چنین آورده است.

و مبادا، مبادا در مجازات اسراف کنی یا از عفوی [که کرده‌ای] پشیمان شوی. و از خشونت نفرت‌انگیز بپرهیز، زیرا شریعت برای اصلاح مجازات می‌کند، نه برای انتقام‌جویی. و در هنگام خشم، مراقب کلمه‌ای باش که باز نگردد؛ چه بسا کلمه‌ای که به صاحبش گوید: «مرا رها کن». و ای امیر، در عقوبت یا عفو، سخن خود را بیهوده و بی‌ارزش مگردان، و در مجازاتت از حدی که خدا برایت مقرر کرده، فراتر مرو. (زیرا ظلم، تاریکی‌های روز قیامت است). پس بر تو باد ای برادر که در تمام امورت، حتی در مجازات، با نرمی رفتار کنی: خداوند تعالی می‌فرماید: (و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند). و [پیامبر (ص)] فرمودند: (به هر کس بهره‌ای از نرمی داده شود، بهره‌اش از خیر داده شده است و هر کس از بهره‌اش از نرمی محروم شود، از بهره‌اش از خیر محروم شده است). و فرمودند: (همانا این دین استوار است: پس در آن با مدارا وارد شوید).

24. **بدان که برادرانت به خاطر رغبت در آنچه نزد خداست، می‌شنوند و اطاعت می‌کنند:** پس التزام آنان [به دین]، شرعی و اخلاقی است، نه از روی ترس از سلطان.

پس تنها کسی را تادیب کن که گمان می‌کنی دینی دارد که پذیرای آن است؛ اما کسی که گمان می‌کنی دینش او را باز نمی‌دارد، مبادا با او دشمنی کنی و مجازاتش نمایی، بلکه با او مهربانی و الفت کن: زیرا سزاوارترین مردم به عفو، تواناترین آنها بر عقوبت است.

و ناقص‌ترین مردم از نظر عقل و قدر، کسی است که به زیردست خود ظلم کند؛ پس در پیشگاه خداوند و در میان مردم، دادگری پیشه کن؛ چه در حق خویشتن، چه در حق خانواده‌ات، و چه در حق آنان که دوستشان داری از برادران و رعیتت. و اگر چنین نکنی، ظلم کرده‌ای و هر کس به بندگان خدا ظلم کند، خدا دشمن اوست، و هر که خدا دشمنش باشد، [خدا] با او در جنگ است تا آنکه توبه کند و [از ظلم] دست بردارد.پس از نفرین مظلوم بترس که میان آن و خدا پرده‌ای نیست و درهای آسمان

برای آن گشوده است. زمانی از وقتت را در روز به این فکر اختصاص بده که آیا به کسی ظلم کرده‌ای یا مظلومی هست که باید او را یاری کنی؟ و هر که بخواهد خشم خدا را زودتر [ببیند]، پس ظلم کند.

25. **برادرانت و مردم را با احسان و نیکی به دست آور**؛ با نیکی قلب‌هایشان را به دست می‌آوری، زیرا دوام محبت با احسان است و زوال آن با سخت‌گیری. و با عموم مردم دوستی کن تا محبتشان برای تو خالص شود. و از آنان کرامت و بزرگواری بجوی، چرا که دوستی ورزیدن از سوی [شخص] قوی، تواضع است.

عمر بن عبدالعزیز با مردم بسیار با ملایمت رفتار می‌کرد؛ هرگاه می‌خواست امری از امور الهی را اجرا کند که گمان می‌کرد مردم آن را ناخوشایند دارند، صبر می‌کرد تا [زمانی که] چیزی پیش آید که مردم آن را دوست دارند، آنگاه آن [امر الهی] را همراه با آن [امر محبوب] اجرا می‌کرد. از او نقل شده است: «خداوند در قرآن دو بار شراب را مذمت کرد و در بار سوم آن را حرام نمود، و من می‌ترسم که [بخواهم] مردم را یکباره وادار به [پذیرش] حق کنم و آنان آن را رها کنند.» و فتنه‌ای بر پا شود.

26. **قدر مردم را بدانید و اصناف آنان را بشناسید.** و افراد را به این دلایل مقدم بدارید:

الف- از اهل علم و فضل باشد؛ و نصوص در فضیلت آنان بسیار است.

ب- از اهل سن (بزرگسال) باشد؛ [در حدیث آمده]: (از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و بر خردسال ما رحم نورزد و حق عالم ما را نشناسد).

ج- از خاندانی با شرف و سروری باشد: در رأس آنان، خاندان نبوت.

27. **از خانواده‌های شهدا و اسرا دلجویی کن** و آنان را بر دیگران مقدم بدار و به عیادت بیمار برو. و با برادرانت همچون خدمتگزار آنان باش، زیرا تو مردی از آنان هستی، جز اینکه بارت از آنان سنگین‌تر و حسابت نزد خدا بیشتر است. پس برای آن عمل کن.

28. **فرستاده خود نزد عشایر و گروه‌های مسلح را به خوبی انتخاب کن،** و همچنین کسانی که مسئول ایست بازرسی‌ها و بازجویی از مردم هستند، زیرا آنان چهره‌های حکومت نزد مردم‌اند. اگر آنان

نیکی کنند، ما نیکی کرده‌ایم و اگر بدی کنند، ما بدی کرده‌ایم. و به طور خلاصه: «فرد حکیم و خردمندی را بفرست و [دیگر] نیازی به سفارش [اضافی به او] نیست.»

29. **ای امیر، از تعصبات جاهلی برحذر باش،** زیرا حکومتی با بنیان استوار را جز تعصب شدید ویران نمی‌کند. و برای از هم پاشیدن آن از هوش و حیله استفاده کن و نه فقط از زور: [به عنوان مثال] مردم عراق همراه با ابن اشعث علیه عبدالملک بن مروان قیام کردند در حالی که گروهی از بهترین تابعین مانند سعید بن جبیر و امثال او در میانشان بودند؛ اما حجاج آنان را در «دیر الجماجم» بیشتر با حیله تا با زور شکست داد. و بدان که از سیاست حکیمانه، اقدام سریع علیه اینان و به ویژه سران آنهاست.

30. **بر شما باد به جدیت و تلاش و همت والا، و از ناتوانی بپرهیزید:** که به خدا قسم مرکبی [ناگوار] است. و هرگاه لغزیدی، دوباره تلاش کن: زیرا از تجربه آموخته شده است که هیچ کاری نیست که خداوند در آن گشایشی ایجاد کند، مگر آنکه دچار لغزش‌ها و لغزش‌ها شود.

** لطفا در نشر این اثر سهیم باشید **

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: هر کس به خیری راهنمایی کند، پاداشی همچون فاعل آن دارد. (روایت مسلم)

بارالها! برادران مجاهدمان را در هر مکانی یاری فرما الهی! قدم‌هایشان را استوار گردان، خدایا دل‌هایشان را آرام کن از شر اشرار و کید فاجران، ای عزیز ای بخشنده

بارالها! چشمشان باش که با آن می‌بینند و گوششان باش که با آن می‌شنوند و دستشان باش که با آن ضربه می‌زنند به آن ای پروردگار جهانیان

بارالها! با آنان باش و بر علیه آنان مباش و شر اشرار را از آنان کفایت کن

بارالها! گناهانشان را بیامرز و بدی‌هایشان را بپوشان و آنان را از گناهانشان با آب و برف و تگرگ شستشو ده

بارالها! آنان را از بازیچه بازیچه‌گران و چشمان مزدوران و خائنان و از خذلان و یاری‌نکنندگان حفظ فرما و آنان را از بندگان صالحت قرار ده

بارالها! بر تو باد دشمنانشان بارالها! بنیانشان را متزلزل کن و چشمانشان را کور گردان و ارکانشان را فلج کن و جمعشان را پراکنده ساز و گردش [روزگار] را علیه آنان قرار ده و ضرباتشان به مجاهدین را ناکام بگذار و ضربات مجاهدین بر آنان را کارساز قرار ده، ای ارحم الراحمین!

بارالها! زمین را زیر پای دشمنانشان بلرزان. بارالها! آنان را به شهادتی گرامی بدار که به واسطه آن به فردوس اعلی دست یابند و آنان را با پیامبران و صدیقان و شهدا گرد هم آوری، ای پروردگار جهانیان.

بارالها! ما را از اجر مجاهدین محروم مکن و پس از آنان ما را مورد فتنه (آزمایش) قرار مده.

بارالها! تمامی مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مجاهد را زندگان و مردگانشان را بیامرز.   وصلی علی نبیک محمد صلی الله علیه وسلم

مرکز رسانه‌ای الیقین

طالب دعای خیر شما اخوکم خالدفارسی الخراسانی